سیاست‌های اقتصادی و مشکلات اجتماعی در ایران

سید حمید نبوی*، مصطفی امینی رارانی**

طرح مسئله: *هدفمند کردن یارانه‌ها به دلیل ماهیتی که دارد می‌تواند تمام عرصه‌های زندگی ایرانیان را تحت تأثیر خود قرار دهد. این طرح تنها یک برنامهٔ صرفاً اقتصادی نمی‌باشد بلکه سیاست کلانی است که می‌تواند بر تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی از جمله وضعیت رفاهی اقتصادی جامعه، بازار اشتغال و درآمد، الگوی هزینه و مصرف خانوار و همچنین مشکلات اجتماعی از قبیل فقر و نابرابری، اعتیاد، بیکاری، مشکلات نهاد خانواده و... اثر گذار باشد. بدیهی است شناخت تمامی پیامدها و جوانب مثبت و منفی طرح هدفمند کردن یارانه‌ها می‌تواند در پیشبرد و تقویت هر چه بهتر اثرات مثبت آن و کنترل و تعدیل آثار سوء آن مثمر ثمر باشد.*

روش: *در این مقاله برآنیم به روش مرور انتقادی منابع به بررسی آثار هدفمند کردن یارانه‌ها بر روی برخی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی کنونی جامعه ایران بپردازیم.*

یافته‌ها و نتایج: *به نظر می‌رسد شیوه اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها به صورت و غیرمستقیم مشکلات اجتماعی را تحت شعاع قرار دهد.*

کلیدواژه‌ها: مرور انتقادی، مشکلات اجتماعی، هدفمند کردن یارانه‌ها

تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۱۸ ***تاریخ پذیرش:*** ۸۹/۱۰/۵

* کارشناس ارشد رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. <Nabavi.lix@ gmail.com>

** کارشناس ارشد رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

مقدمه

هر کسی حداقل یک مفهوم کلی از مشکلات اجتماعی در ذهن خود دارد. آشفتگی‌های ناخواسته و اجتناب‌پذیر در جامعه، اغتشاشات و تضادهای اجتماعی که معمولاً «بحران اجتماعی عصر حاضر» نامیده می‌شود، قربانی شدن مردم بر اثر محرومیت‌هایی که در زندگی توسط نهادهای اجتماعی بر آنان تحمیل می‌شود، جنایت، بیماری‌های قابل درمان اما درمان نشده، اعمال خشونتی که از نظر اجتماعی نامشروع است، و مسائلی از این قبیل، معمولاً در نظر ما تحت «عنوان مشکلات اجتماعی» مطرح می‌گردند. جرم، فقر، نابرابری، بیکاری، اعتیاد، روسپی‌گری، تکدی‌گری و فروپاشی نهاد خانواده و ده‌ها نمونهٔ دیگر، از جمله مشکلاتی هستند که لااقل در حال حاضر همهٔ جوامع بشری از جمله ایران به درجات گوناگون با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند.

به اعتقاد رابرت مرتون مشکل اجتماعی عبارت است از تفاوت فاحش میان آرمان‌های جامعه و وضع موجود آن (رفیعی، ۱۳۸۰) بر اساس این تعریف برای شناخت مشکلات اجتماعی ابتدا باید آرمان و ارزش‌های جامعه را شناخت تا سپس موارد مغایر با آن را به عنوان مشکل اجتماعی مورد نظر قرار داد. کاربرد این تعریف در جامعهٔ ایران کمی دشوار به نظر می‌رسد زیرا از یک سو اتفاق نظر کاملی در مورد ارزش‌های اجتماعی وجود ندارد. از سوی دیگر جامعهٔ ایران به عنوان یک جامعهٔ در حال گذار دائماً دچار بحران هویت ودر نتیجه مواجهه با تعارض‌ها و تضادهای ارزشی است. بنابراین به طور نسبی ارزش‌های اجتماعی آن فاقد ثبات و پایداری بوده و در معرض تزلزل قرار دارند. از این رو به کار بردن تعریف مرتون از مشکل اجتماعی به سادگی میسر نخواهد بود. در نظریات دورکیم از جرایم و به خصوص خودکشی، آسیب شناسی اجتماعی بیش از آن که امری مربوط به انحرافات افراد تلقی شود براساس شرایط بهنجار و نابهنجار اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند(آبراکرامبی، نیکولاس و دیگران، ۱۳۷۰ به نقل از مدنی، ۱۳۷۹).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

مطابق تعریف قابل‌قبول‌تری مشکل اجتماعی وضعیتی است که به اعتقاد بسیاری از افراد جامعه (نه الزاماً اکثر آن‌ها) کیفیت زندگی یا مهم‌ترین ارزش‌های آن‌ها را خدشه دار می‌کند، علل یا عواقب اجتماعی دارد و برای حل آن‌ها باید به اصلاح سیاست‌های اجتماعی پرداخت (رفیعی، ۱۳۸۰). بر طبق این تعریف به طور کلی چهار معیار مهم برای تشخیص مشکلات اجتماعی مطرح شده است:

۱. تعریف گروهی و اجماع اکثر افراد جامعه
۲. اثر منفی بر کیفیت زندگی یا مهم‌ترین ارزش‌های مورد توافق جامعه
۳. وجود علل و عواقب اجتماعی
٤. لزوم اصلاح سیاست‌های اجتماعی برای حل آن.

این چهار ویژگی بر نشانگان و آثار بروز و ظهور آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و نه علل و عوامل موجد آن تأکید می‌کند. ضمن آن‌که ویژگی چهارم با اشاره به لزوم اصلاح سیاست‌های اجتماعی برای حل مشکل مشخصاً به عوامل ساختاری پدید آوردنده مسائل اجتماعی نیز اشاره کرده است.

طرح هدفمند کردن یارانه‌ها یکی از بندهای طرح تحول اقتصادی است که اولین اعلام رسمی آن در سخنرانی ۲۲ بهمن ماه ۸٦ آقای احمدی نژاد در جمع راهپیمایان و بعد از آن در پیام نوروزی ۱۳۸۷ نمود پیدا کرد. طرح تقدیمی دولت به مجلس مدعی است که دست کم ۱۱ نارسایی اقتصاد کشور را از میان برمی دارد یا کم می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها فقرزدایی، مهار کردن تورم، تحقق عدالت اجتماعی، اقتصادی کردن تولید و سلامت محیط رقابت، توازن بودجه و کم کردن مصارف غیرلازم است.دربارهٔ ضرورت هدفمند کردن یارانه‌ها، معمولاً موارد زیر به عنوان اهداف سیاست نقدی کردن یارانه‌ها در ایران طرح می‌شود:

- افزایش کارآیی نظام اقتصادی از طریق رهاسازی قیمت کالاهای یارانه‌ای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

- کاهش مصرف کالاهای یارانه و بهینه کردن مصرف این کالاها و همین طور کاهش قاچاق
- کاهش مخارج عمومی و رفع عدم تعادل بودجه‌ای
- کاهش شکاف در مصرف کالاها و خدمات بین گروه‌های درآمدی و همین طور بین جامعهٔ شهری و روستایی

قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در ١٦ ماده به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. طبق مواد ۱، ۲ و ۳ دولت مکلف به اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و مدیریت آثار نوسان قیمت‌ها می‌باشد. در مادهٔ ۱ آمده است قیمت فروش داخلی بنزین، نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید و گاز مایع و سایر مشتقات نفت، با لحاظ کیفیت حامل‌ها و با احتساب هزینه‌های مترتب (شامل حمل‌ونقل، توزیع، مالیات و عوارض قانونی) به تدریج تا پایان برنامهٔ پنج سالهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کم‌تر از نود درصد (۹۰٪) قیمت تحویل روی کشتی (فوب) درخلیج فارس نباشد. طبق مواد ٤و ٥ این قانون یارانه‌های مواد غذایی از قبیل برنج، روغن، آرد و نان و غیره و خدمات پستی، ریلی و هواپیمایی تا انتهای برنامهٔ پنجم توسعه به تدریج هدفمند شود. این قانون نحوهٔ هزینه کردن، خالص وجوه حاصل از اجرایی شدن این قانون را به شرح زیر مشخص می‌نماید: طبق مادهٔ ۷ دولت مجاز است حداکثر تا پنجاه درصد (۵۰٪) خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را در قالب بندهای زیر هزینه نماید:

الف) یارانه در قالب پرداخت نقدی و غیر نقدی با لحاظ میزان درآمد خانوار نسبت به کلیهٔ خانوارهای کشور به سرپرست خانوار پرداخت شود.

ب) اجرای نظام جامع تأمین اجتماعی برای جامعهٔ هدف.

مادهٔ ۸: دولت مکلف است سی درصد (۳۰٪) خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را برای پرداخت کمک‌های بلاعوض، یا یارانهٔ سود تسهیلات و یا وجوه اداره شده برای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

اجرای موارد زیر هزینه کند: بهینه‌سازی مصرف انرژی در واحدهای تولیدی، خدماتی و مسکونی، اصلاح ساختار فن‌آوری واحدهای تولیدی در جهت افزایش بهره وری انرژی، گسترش و بهبود حمل و نقل عمومی و حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی و صنعتی، تولید نان صنعتی و حمایت از صادرات غیر نفتی.

مادهٔ ۱۱: دولت مجاز است تا بیست درصد (۲۰٪) خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را به منظور جبران آثار آن بر اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌های هزینه کند.

با توجه به این که طرح هدفمند کردن یارانه‌ها در ایران بعد از گذراندن فراز و نشیب‌هایی قرار است به زودی اجرایی شود بلاشک اثرات عظیمی بر جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، روانی و خانوادگی ایرانیان خواهد گذاشت. این طرح تمام خانوارهای ایرانی را درگیر خود می‌نماید و می‌تواند اثرات مثبت و منفی و گاهاً متناقض بر روال زندگی آحاد جامعه داشته باشد. یکی از موضوعاتی که به طور مستقیم و غیر مستقیم تحت تأثیر این طرح خواهد بود بحث مشکلات اجتماعی است. هر تغییر ساختاری عظیم دارای پیامدهای مثبت و منفی گوناگونی است که می‌تواند مشکلات اجتماعی یک جامعه را افزایش یا کاهش دهد. در این‌جا قصد داریم تا به بررسی تأثیرات این طرح بر برخی از مشکلات اجتماعی ایران بپردازیم.

هدفمند کردن یارانه‌ها و فقر و نابرابری

در سال‌های اخیر به دلیل گسترش اجرای سیاست‌های اقتصادی و واگذاری گسترده‌تر به بخش خصوصی شاهد رشد فقر و نابرابری در بیش‌تر کشورهای جهان بوده‌ایم. به همین دلیل این مسئله یکبار دیگر در کانون توجه جوامع بشری و به ویژه کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است. به گفتهٔ بسیاری از متخصصان علوم اجتماعی و اقتصادی ریشهٔ گرفتاری‌ها و عقب ماندگی‌های بخش اعظم جمعیت کرهٔ زمین مرتبط با فقر است. فقر تنها

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

به وجودآورندهٔ عقب ماندگی مادی، کمی سواد، وضعیت بهداشتی نامناسب و ضعیف، بدبختی و فساد نمی‌باشد بلکه خود از آن‌ها ناشی می‌شود و آن‌ها را تشدید می‌نماید. پژوهش‌گران بر این باورند که فقر و نابرابری، اصلی‌ترین سرچشمهٔ ایجاد دیگر مشکلات اجتماعی است و شاید دلیل اصلی آن‌ها باشد.

با تحقق انقلاب اسلامی ایران، برقراری عدالت اجتماعی و محو و نابودسازی فقر به عنوان یکی از اهداف اساسی انقلاب، مورد توجه رهبران و دولتمردان قرار گرفت، به طوری که رهبر فقید انقلاب نیز این انقلاب را متعلق به پابرهنگان و مستضعفان می‌دانست. از این‌رو پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به شعارهای عدالت خواهانهٔ مردم و مسئولین، ریشه کنی فقر و محرومیت از جامعه به عنوان یک سیاست و استراتژی محوری و بنیادی در نظر گرفته شد. به طوری که قانون اساسی در اصول سوم، بیست و نهم، سی و یکم و چهل سوم به موضوعاتی مانند فقر، ایجاد رفاه، حق همگان در برخورداری از تأمین اجتماعی، مسکن و...اشاره کرده است. اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دولت را مکلف می‌سازد نسبت به رفع فقر و تعمیم خدمات تأمین اجتماعی به همهٔ اقشار ملت اقدام نماید.

یکی از برنامه‌های کشور برای مبارزه و کاهش فقر، سند کاهش فقر و هدفمند کردن یارانه هاست که به پیشنهاد مشترک وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد مادهٔ (۹۵) قانون برنامهٔ چهارم، در سال ۱۳۸٤ به تصویب هیأت وزیران رسید. استقرار عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصلهٔ دهک‌های درآمدی و توزیع عادلانهٔ درآمد در کشور، کاهش فقر و محرومیت، توان‌مندسازی فقرا و هدفمند کردن یارانه‌ها به عنوان اهداف آرمانی این سند ذکر شده‌اند.

رابطهٔ میان یارانه و فقر موضوعی مورد مناقشه در حوزهٔ نظریه پردازی اقتصادی است. رویکرد نئوکلاسیک با تأکید بر اثر انحرافی اختلال‌های قیمتی، یارانه‌های همگانی را مانع

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

تخصیص بهینهٔ منابع و در نتیجه رشد می‌داند. از این منظر، کنترل‌های قیمتی چه به منظور حمایت از مصرف کننده و چه به منظور حمایت از تولید کننده، در نهایت به ضد خود تبدیل می‌شود و فقر را بیش‌تر می‌کند.. اساساً ریشه کن کردن فقر با رشد اقتصادی بالا ممکن می‌گردد؛ کما این‌که چین با چند دهه رشد اقتصادی بالا توانسته رکوردی تاریخی و جهانی در کاهش فقر ایجاد کند؛ به این معنا که هیچ‌گاه بشر در طول تاریخ چنین پدیده‌ای را تجربه نکرده بود که میلیون‌ها انسان ظرف چند دهه از فقر مطلق و شدید خارج شوند.

این‌که رشد اقتصادی بالا از چه طریق مهیا می‌شود خود بحث جداگانه‌ای است که ربط ناچیزی با هدفمند کردن یارانه‌ها و قضیهٔ سوبسید دادن دارد. در ادبیات موجود مربوط به رابطهٔ نابرابری و رشد این سخن با احتیاط مطرح است که بهبود توزیع درآمد اگر بتواند موجب افزایش سرمایهٔ انسانی شود، می‌تواند به رشد اقتصادی یاری رساند. این دیدگاه در مقابل دیدگاه دیگری که مدعی است بهبود توزیع درآمد برای رشد زیان‌بار است، مطرح گردیده است.

یارانه‌های هدفمند نقدی به عنوان ابزاری برای باز توزیع درآمدی مطرح می‌شوند. از این منظر، در واقع نوعی مالیات منفی محسوب می‌شود که به اقشار مورد نیاز تعلق می‌گیرد اما به دنبال رهاسازی قیمت‌ها تورم رخ خواهد داد. با پرداخت‌های نقدی حجم نقدینگی در جامعه افزایش پیدا می‌کند و از این طریق باعث تورم ناشی از افزایش تقاضا و تورم ناشی از فشار هزینه می‌شود. از طرف دیگر هدفمند کردن یارانه‌ها باعث تشدید تورم ساختاری میگردد چرا که این نوع تورم در کشورهای در حال توسعه‌ای رخ می‌دهد که به علل مختلف ساختاری قادر نیستند در کوتاه مدت و حتی میان مدت با وجود بیکاری عوامل تولید یا در دسترس بودن ظرفیت‌های خالی نسبت به افزایش تقاضا واکنش نشان دهند و سطح تولید را بالا ببرند.

تورم یکی از عوامل تشدیدکنندهٔ افزایش ضریب جینی است چرا که در زمان رشد تورم دهک‌ها و اقشاری که قدرت مالی و اقتصادی کم‌تری دارند، برای گرفتن دستمزد یا

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

پول بیش‌تر قدرت چانه‌زنی کم‌تری دارند و قادر به تغییر درآمدهای خود نیستند بنابراین انتظار طبیعی آن است که تورم فشار بیش‌تری به اقشار پایین جامعه آورده و در نتیجه ضریب جینی افزایش پیدا کند.

طرفدارن سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها با استناد به میزان مصرف کالاهای یارانه‌ای در گروه‌های درآمدی مختلف و شکاف موجود استدلال می‌کنند که با پرداخت نقدی، خالص رفاه خانوارهای کم درآمد افزایش و خانوارهای با درآمد بالا کاهش می‌یابد. به نظر می‌رسد در چنین محاسباتی به اثر ثانویهٔ سیاست رهاسازی قیمت‌ها و خدمات، یعنی افزایش بازده دارای ثابت خانوارهای با درآمد بالا توجهی نمی‌شود. در واقع آن چه علت اصلی شکاف در توزیع مصرف است شکاف در درآمدهای اولیه است که خود تابعی از توزیع نابرابر دارایی‌های ثابت می‌باشد. با توجه به ضریب جینی نسبتاً بالا در ایران، اثر رهاسازی قیمت کالاهای یارانه‌ای و تورم ناشی از آن به معنای انتقال بار تورمی چنین سیاستی به خانوارهای کم درآمد و خنثی‌سازی اثر یارانهٔ نقدی می‌باشد.

بررسی آمارهای موجود (آمارهای بانک مرکزی و مرکز آمار) نشان می‌دهد که ضریب جینی از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸٦ در حال افزایش بوده و این به معنای توزیع ناعادلانه درآمدهای کشور و عمیق ترشدن شکاف غنی و فقیر است. البته مهم‌ترین علت آن بالارفتن تورم است.

تجربهٔ تاریخی دو دههٔ گذشته نشان می‌دهد که توصیهٔ اساسی این رویکرد مبنی بر رهاسازی قیمت‌های کالا و خدمات، کاهش پرداخت‌های انتقالی و کنترل دستمزدها در بسیاری از کشورهای جهان اثر منفی بر وضع رفاهی فقر گذاشته است. از همین رو در دههٔ ۱۹۹۰ رویکرد تعدیل با چهرهٔ انسانی معرفی و طی آن بر تأمین تور ایمنی اجتماعی به منظور حمایت از فقرا تأکید شد. در همین راستا بحث جایگزینی یارانه‌های هدفمند به جای یارانه‌های همگانی پیش آمد. یارانه‌های هدفمند هرچند به عنوان مالیات منفی می‌تواند، جبران هزینه‌های وارده را بکند، در عمل کارآیی آن مشروط به وجود پیش

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

شرط‌هایی چون شناسایی دقیق خانوارها، پائین بودن هزینه‌های اداری این روش، استمرار آن، و پائین بودن آثار ثانویهٔ تورمی ناشی از آن است. اولین پیش شرط این است که همراه با اجرای سیاست‌های تعدیل، تورم افزایش نیابد در غیر این صورت، سهم بری صاحبان دارایی‌های ثابت با افزایش قیمت کالاها و خدمات افزایش می‌یابد و بنابراین الگوی جاری توزیع درآمد در بهترین حال بدون تغییر باقی می‌ماند. به عبارتی دیگر اثر ثانویهٔ منفی افزایش قیمت‌ها و کاهش دستمزدهای واقعی برای خانوارهای فقیر ممکن است با اثر مثبت یارانهٔ نقدی پرداخت شده به آن‌ها برابری و یا درصد مهمی از آن را خنثی کند. علاوه بر این با افزایش قیمت‌ها احتمال به زیر خط فقر رفتن خانوارهای قرار گرفته در انتهای گروه درآمدی بالای خط فقر مورد نظر نیز وجود دارد.

از طرف دیگر یکی از مسائل مهم در برنامه‌های فقر زدایی شناسایی فقراست و پاسخ به این سئوال که فقیر کیست. از آن‌جایی که در طرح هدفمند کردن یارانه‌ها شناسایی فقرا به روش خود اظهاری بوده که ممکن است شناسایی خانوارهایی هدف به درستی صورت نگرفته و تحت پوشش قرار نگیرند. به طور کلی شواهد نشان می‌دهند که یارانه‌های هدفمند که در برنامه‌های تعدیل جایگزین یارانه‌های همگانی شده‌اند، با کاهش پوشش جمعیت غیر هدف و نوعاً با افزایش جدی عدم پوشش جمعیت هدف توأم هستند از آن جا که ارزش واقعی یارانهٔ هر دریافت کننده به طور معمول افزایش نمی‌یابد در اغلب موارد اثر خالص جایگزینی یارانه‌های هدفمند به جای یارانه‌های همگانی تشدید فقر است. (استوارت ۱۳۷٦). سومین پیش شرط امکان استمرار پرداخت یارانه‌های نقدی در حد لازم است. اما با توجه به قدرت چانه زنی پایین خانوارهای فقیر در ساخت قدرت، احتمال استمرار چنین سیاستی، به ویژه در شرایطی که دولت با کمبود منابع درآمدی مواجه می‌شود پایین است؛ در نتیجه انتظار می‌رود که درست در چنین شرایطی شدت فقر خانوارها افزایش یابد و اثر مثبت یارانه‌های نقدی به دست آمده در سال‌های قبل را نیز خنثی کند و پیش شرط نهایی، عدم تأثیر منفی شناسایی فقرا از نظر روانی و شخصیتی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

است، در این باره نیز چنان‌چه سن معتقد است یکی از آثار ایـن روش، احـساس شکـسته شدن فقر در انظار عمومی است.

اجرای این طرح تأثیر شدید و مستقیم بر سبد هزینهٔ خانوار همچون آب، برق، انرژی، حمل و نقل و سرپناه خواهد داشت. هنگامی که هزینهٔ حمل و نقل افـزایش پیـدا مـی‌کنـد بهای تمام کالاها افزایش می‌یابد و چون درآمدها افزایش پیدا نمی‌کنـد، قطعـاً وضـع بـدتر خواهد شد. پس از واقعی شدن قیمت حامل‌های انرژی قطعاً وضع دهک‌های پایین جامعه بدتر خواهد شد چرا که «مردم» در اجرای این طرح نادیده گرفته شـده‌انـد. لـذا در سـطح نظری نیزاین ادعای بزرگ که بهبود توزیع درآمد در اثر هدفمند کردن یارانه‌ها بتواند چنین تبعات بزرگی در سطح کلان داشته باشد، دیده نمی‌شود(راغفر، ۱۳۸۸).

در اقتصاد ایران با توجه به توزیع نابرابر بیش از اندازهٔ ثروت و دارایی به نظر می‌رسـد که آثار ثانویهٔ این سیاست بر آثار اولیه آن غلبه یا درصد مهمی از آن را خنثی کند. سیاست هدفمند کردن یارانه‌ها دو کارکرد خیلی مهـم دارد: بهبـود توزیـع درآمـد و اصـلاح رفتـار مصرف‌کننده. هر دو این امور در سطح خرد اتفاق خواهد افتاد و اساساً انعکاس فوق‌العـاده و چشم‌گیری در سطح کلان نخواهند داشت. به عبارت دیگر کاملاً اتفاق افتاده که در یـک اقتصاد مثل اقتصاد مکزیک در فاصله سال‌های ۱۹۹٤ تـا ۱۹۹۵ اوضـاع در سـطح خـرد در حالت مطلوب قرار داشت (قیمت‌ها آزاد و محدودیت تجاری بسیار کم بود و...) ولی عدم تعادل‌های جدی در سطح کلان وجود داشت (نظیر کسری بودجه) واین امـر موجـب شـد تا کل اقتصاد به ورطهٔ بحران فرو غلتد. این مثال به معنی آن است که برای حـل مـشکلات کلان باید سیاست‌های کلان را به کار گرفت و برای حل مشکلات خـرد از سیاسـت‌هـای خرد. بهبود توزیع درآمد می‌تواند تا حدودی فقر مطلق را کاهش دهد؛ اما بعیـد اسـت کـه بتواند فقر را به طور کلی ریشه کن سازد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

هدفمند کردن یارانه‌ها و اعتیاد

اعتیاد به مواد مخدر یکی از شایع‌ترین مشکلات اجتماعی جهان معاصر است، به گونه‌ای که اگر ادعا شود اعتیاد به مواد مخدر یکی از بحران‌های اصلی دنیای کنونی است و به صورت یک معضل جهانی درآمده، اغراقی صورت نگرفته است. اعتیاد به مواد مخدر دارای جنبه‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، روانی، اخلاقی و حقوقی می‌باشد. عوارض ناشی از این بیماری اجتماعی تهدیدی جدی برای جامعهٔ بشری محسوب شده و موجبات رکود اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در جوامع مختلف فراهم می‌آورد.

علل و عوامل اعتیاد را می‌توان به دو دستهٔ عمدهٔ فردی و اجتماعی تقسیم نمود. در حوزهٔ عوامل فردی می‌توان به خوش گذرانی و کسب لذت، کنجکاوی هدایت نشده، فراموشی مشکلات و دشواری‌های زندگی، بی بند و باری و لاابالی‌گری و بی‌هویتی و بی‌هدفی در زندگی اشاره کر د.

در مباحث مربوط به علل اجتماعی اعتیاد، بیش‌تر جامعه شناسان، آسیب‌های اجتماعی و انحرافات را فقط به عنوان یک پدیدهٔ اجتماعی به حساب می‌آورند. از این رو تنها به بررسی علل اجتماعی آن می‌پردازند و به علل فردی و روانی توجه نمی‌کنند. در عین این که ویژگی‌های شخصیتی و روانی افراد نیز در این امر مؤثر است و در زمینهٔ رفتارها جایگاه ویژه‌ای دارند اما در این مقام، تنها علل اجتماعی اعتیاد مورد نظر قرار می‌گیرند. برخی از این عوامل عبارتند از فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی، وضعیت بد اقتصادی، توزیع ناعادلانهٔ منابع و درآمدها، ناکارآمدی نظانم تربیتی، در دسترس بودن مواد، نبودن محیط‌های تفریحی سالم و....

در صورتی که هدفمند کردن یارانه را به عنوان یک تغییر ساختاری بزرگ در جامعهٔ ایران در نظر بگیریم بالتبع این تغییر در آسیب‌های اجتماعی گوناگون از جمله اعتیاد تأثیرات مثبت و منفی خواهد گذاشت. در این جا با استفاده از چهارچوب نظری جک

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

یانگ، استاد جامعه شناسی و رئیس مرکز جرم شناسی دانشگاه میدل سکس انگلستان عوامل ساختاری جرم و انحراف و رابطه آن را با احساس محرومیت نسبی مطرح خواهیم کرد و در ادامه به جمع‌بندی بحث هدفمند کردن یارانه‌ها و تأثیرات احتمالی آن بر اعتیاد خواهیم پراخت.

یانگ به اتفاقاتی که در نهادهای اجتماعی، به خصوص به نهاد خانواده، نظام شغلی و اجتماعات محلی اشاره می‌کند و اثر آن‌ها را بر انگیزهٔ افراد برای درست رفتاری و کج روی مورد بحث قرار می‌دهد(Young, 2001). میان اعضای خانوادهٔ امروز، ارتباطات و تعامل کاهش یافته است. هریک از اعضا برای تحصیل یا کار به سویی می‌روند از حمایت اجتماعات قومی و محلی نیز کاسته شده است. ساکنان اجتماع محلی که در گذشته در منطقه ماندگار می‌شدند، بر رفتار اهالی منطقه نظارت می‌کردند. در جامعهٔ امروز به دلیل جابه‌جایی محل سکونت خانوارها این کارکردها به تدریج از بین رفته است.

مشاغل در جامعهٔ امروزی بیش‌تر جنبهٔ قراردادی و موقت دارند. هویت شغلی پایدار نیست و نمی‌تواند رفتار فرد را کنترل کند. این وضعیت نه تنها احساس هویت را کاهش می‌دهد، بلکه بر احساس ناامنی شهروندان می‌افزاید. تغییر در ارکان جامعهٔ امروز چنان‌چه به احترام و برابری بیش‌تر شهروندان در جامعه بینجامد، پیامدهای منفی به دنبال نخواهد داشت ولی برعکس چنان‌چه به نابرابری بیش‌تر و کاهش احترام به خود افراد بینجامد چندان مطلوب نخواهد بود. وقتی نابرابری و به دنبال آن احترام اجتماعی در میان شهروندان کاهش یابد(فرآیندی که معمولاً مشاهده می‌شود) دفاع از جامعهٔ امروزی و ساختارهای آن کاسته می‌شود. در این وضعیت صاحبان قدرت از افزایش مشکلات و نابهنجاری‌های رفتاری نگران می‌شوند، و برای کاهش نگرانی خود مشکلات و نابهنجاری‌های رفتاری را به گروه‌های خاصی از جامعه که در حاشیه قرار دانند نسبت می‌دهند و از جستجوی علل در درون ساخت اجتماعی امتناع می‌ورزند. این گروه‌های حاشیه‌ای و محروم از سوی دیگر شاهد توزیع ناعادلانهٔ منابع و درآمدها در جامعه هستند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

این وضعیت همراه با کاهش نظارت‌های غیر رسمی نهادهای سنتی و بحران هویت اقشار طرد شده را به سمت رفتارهای ضد اجتماعی، خشونت، ورود به شبکه‌های قاچاق مواد مخدر، اعتیاد و دیگر آسیب‌ها سوق می‌دهد.

هدفمند کردن یارانه‌ها به عنوان یک برنامهٔ اقتصادی بر ابعاد زندگی شخصی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی تمام ایرانیان می‌تواند تأثیر گذار باشد. همچنان که ذکر شد افزایش فقر ناشی از افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید واقعی مردم و فشار تورمی که به جامعه تحمیل می‌شود خانوارهای ایرانی را برای آسیب‌پذیری مستعد می‌سازد. به نظر می‌رسد پرداخت نقدی یارانه‌ها سبب از بین رفتن فرهنگ کار و تولید و ایجاد فرهنگ وابستگی گردد. این امر سبب می‌شود برای جامعهٔ ایران که نظام تربیتی و آموزشی آن با مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کند و امکانات مناسبی برای تفریح و پر کردن اوقات خانواده‌ها و جوانان وجود ندارد، اعتیاد با انواع مختلف آن همچون مصرف تفننی و محفلی مواد مخدر افزایش یابد. از سوی دیگر فقر فزاینده، شکاف طبقاتی، عدم امید به آینده‌ای بهتر، فشار ناشی از تأمین هزینه، در جامعهٔ مصرف گرای ایران که هر روز نیز بر تجمل گرایی خانواده‌های آن افزوده می‌گردد خانواده‌ها را مستعد بروز مشکلاتی می‌نماید. از سوی دیگر والدین برای تأمین معاش مجبور به کار بیش‌تر در خارج از خانه شده و این امر سبب می‌شود که وقت کم‌تری با خانواده سپری نمایند و کنترل چندانی بر فرزندان نداشته باشند. مطالعات گوناگونی نشان داده‌اند که نابسامانی خانواده همچون طلاق و عدم نظارت والدین زمینه ساز اعتیاد فرزندان است. مجموعهٔ عواملی که ذکر آن رفت، عواملی هستند که بر میزان تقاضای مواد مخدر و دیگر مواد افیونی تأثیر گذار هستند. اما شرایط اقتصادی ناگوار و افزایش بیکاری که بیش‌تر بار آن نیز بر دوش اقشار کم درآمد جامعه است به گونه‌ای دیگر بر میزان عرضه مواد مخدر اثر گذار است. عموماً سطح سواد در اقشار پائین جامعه، پائین است و با مشکلاتی همچون حاشیه نشینی، مشاغل موقت و کاذب و... مواجه هستند. به نظر می‌رسد مجموعهٔ این عوامل و فشار اقتصادی تحمیل شده

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

به آن‌ها ناشی از هدفمند کردن یارانه‌ها زمینهٔ مناسب برای ورود این افراد به چرخهٔ قاچاق و توزیع مواد مخدر می‌شود.

به طور کلی هدفمند کردن یارانه‌ها با اثر سوء بر چرخهٔ فقر، نابرابری، بیکاری، فشار اقتصادی، ناآگاهی و تضعیف کنترل غیر رسمی نهادهای اجتماعی همچون خانواده سبب تشدید سوء مصرف مواد و قاچاق مواد مخدر می‌شود.

هدفمند کردن یارانه‌ها و فساد مالی و اداری

فساد اداری ـ مالی به عنوان یک مشکل اجتماعی نوع خاصی از عمل مجرمانه بر ضد منافع، امنیت و حقوق اجتماعی است که معطوف به اموال عمومی و دولتی می‌باشد.فساد اداری مالی دارای طیفی است که در سطوح مختلف قابل بحث می‌باشد. گستردگی فساد به صورت ارتشا، کم کاری با هدف کسب درآمد مالی، حساب سازی، نادرست گویی، کمیسیون‌گیری نامجاز و مشابه آن در رده‌های پایینی کارکنان دولتی که انگیزهٔ اصلی آن عموماً اقتصادی و ناشی از کم درآمدی در برابر فشارنیازهای مصرفی است، می‌باشد.

در رده‌های بالایی، فساد اداری ـ مالی به جهت تمرکز قدرت سیاسی، اقتصاد نفتی و دلالی این مسئله شکل دیگری می‌یابد. نفوذ رده‌های بالای در ساختار قدرت، همکاری‌های کارشناسی، مدیریتی، ایدئولوژیک، قضایی، انتظامی و قانون‌گذاری باآنان، اصلی‌ترین عامل نهادینه شدن فساد، تقلب و سوء استفاده‌های کلان از اموال عمومی است(رئیس دانا، ۱۳۸۱). در رده‌های میانی نیز شماری از کارشناسان و مدیران و مسئولان وجود دارند که در خدمت اربابان قدرت و مفسدان بوده و امکان سوء استفاده، دریافت‌های اضافی، نامجاز و غیر عادی، چند شغلی بودن، امتیازگیری و حذف دیگران به نفع سود و موقعیت خود را فراهم می‌آورند.

فساد اداری ـ مالی در تمامی ابعاد آن در ایران امروزه بر کسی پوشیده نبوده، به طوری که همگان اعم از رهبران جامعه، کارشناسان و مردم عادی، ازآن به عنوان مهم‌ترین مشکل سیستم مدیریتی کشور یاد می‌کنند. توزیع درآمد نفتی به صورت نقدی در بین اقشار جامعه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

در سیستم مدیریتی ـ اداری جامعه که خود نیز دچار فساد و ناهنجاری‌های می‌باشد همراه با پیامدهای گسترده‌ای خواهد بود که می‌تواند باعث افزایش فساد اداری ـ مالی شود. افزایش فشار هزینه‌های زندگی مانند هزینه‌های تغذیه، مسکن، حمل و نقل و هزینه‌های پزشکی که به دنبال آزاد کردن قیمت‌ها ایجاد می‌شود به فساد اداری ـ مالی در رده‌های پائین دامن خواهد زد. بدیهی است که رده‌های پائینی چرخهٔ فساد که بیش‌تر کارکنان دولتی می‌باشند جهت رفع فشار اقتصادی تحمیل شده سعی خواهند نمود از طریق ورود به چرخهٔ فساد یا تشدید آن این فشارها را تعدیل نمایند. این مسئله می‌تواند به صورت رشوه گیری، کمیسیون گیری، حساب سازی، کم کاری و یا پرداختن به مشاغل دیگر نمایان گردد. این مسئله در صورتی با نگرانی‌های بیش‌تری همراه می‌شود که افراد سود جو و فرصت طلب به بهانهٔ تسریع در پرداخت یا افزایش سهم یارانهٔ نقدی افراد، مبادرت به اخذ مبالغی جهت انجام چنین اموری نمایند و هزینه‌های مضاعفی را به دوش افراد بی اطلاع که عموماً هم گروه‌های پائین درآمدی هستند تحمیل نمایند. در رده‌های بالایی و میانی نیز ممکن است مدیران و مسئولان با ایجاد شبکه هایی، اقشار کم درآمد را جهت بهره برداری‌های سیاسی و منافع گروهی به خود وابسته کنند. از سویی دیگر به دلیل وجود رابطه‌های قومی و خویشاوندی قوی در برخی از مناطق کشور، مسئولان پرداخت یارانه‌ها ممکن است در پرداخت یارانه‌ها ابتدا اقوام و بستگان خود را درنظر گیرند و در حق گروه‌های دیگر اجحاف نمایند. در مجموع می‌توان گفت به دلیل حضور کم‌رنگ نهادهای نظارتی در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و نبود ساختارهایی همچون احزاب قدرتمند، احتمال تشدید فساد مالی و اداری در تمامی سطوح وجود دارد.

هدفمند کردن یارانه‌ها و مشکلات نهاد خانواده

خانواده ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین نهاد جامعهٔ بشری محسوب می‌شود و نقش بسیاری در فرآیندهای اجتماعی و بهداشت روانی فرد و جامعه ایفا می‌کند. نقش خانواده در فرهنگ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

ایرانی بسیار برجسته بوده تا جای که به درستی می‌توان خانواده را مهم‌ترین رکن جامعهٔ ایرانی دانست. نقش خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی یا کارکردهای مختلف آن، هم می‌تواند در جنبهٔ مثبت آن یعنی ایجاد کانون آرامش و هم در جنبهٔ منفی اش یعنی ایجاد آسیب اجتماعی بسیار مهم و تأثیر گذار باشد.

نا گفته پیداست که هر سیاست اجتماعی و اقتصادی که در جامعه به اجرا در می‌آید تک تک خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار داده و بر کم و کیف رفاه خانواده اثر گذار می‌باشند. طرح هدفمند کردن یارانه‌ها نیز علاوه بر آثار اقتصادی، اثرات اجتماعی نیز بر نهادهای جامعه از جمله خانواده خواهد گذاشت.گروه هدف در برنامهٔ هدفمند کردن یارانه‌ها، خانوارهای ایرانی می‌باشند که مطابق اهداف این برنامه تحت تأثیر مستقیم اجرای شدن آن هستند. طرح هدفمند کردن یارانه‌ها مدعی است که سطح زندگی و رفاه اجتماعی – اقتصادی را ارتقا خواهد داد. در این جا ما به بررسی برخی از مشکلات نهاد خانواده مثل طلاق که می‌تواند تحت تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها قرار گیرد می‌پردازیم.

الف) طلاق

تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نظام‌های خانواده را با تغییرات، چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی مواجه کرده است. وقتی کارکرد خانواده‌ای از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی و شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را از دست می‌دهند. کاهش تدریجی رضایت مندی اعضای خانواده ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت واقعهٔ حقوقی می‌شود که این گسستگی طلاق نامیده می‌شود(آماتو، ۱۹۹۸).

میراث طلاق فرزندانی است که دچار جرایم اجتماعی سبک و سنگین می‌شوند از جمله گرایش به اعتیاد، انحرافات اجتماعی و انجام بزه‌های مختلف در جامعه و... که خود هزینه‌های غیر قابل جبرانی را به جامعه تحمیل می‌کند و سازمان‌های اجتماعی بسیاری، از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

جمله نیروی انتظامی را درگیر تبعات امنیتی و انتظامی خود می‌سازد، زیرا طلاق از نظر قانونی تنها یک حادثه است اما از دیدگاه روان شناسان زنجیره‌ای از حوادث به هم پیوسته‌ای است که برای همیشه زندگی قربانیان خود را دگرگون می‌کند(کاملی، ۱۳۸٦).

با بررسی نظریات صاحب نظران در ارتباط با عوامل کلی و مختلف تقاضای طلاق از سوی زوجین مشخص می‌گردد که این مشکلات در بیان کلی می‌توانند عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فردی و شخصیتی باشند. در این میان می‌توان به بیکاری مرد، اعتیاد(قطبی، ۱۳۸۳)، فقر(اختلاف شدید مالی)، اعتیاد زن یا شوهر، مصرف الکل، بیکاری، عدم پرداخت نفقه، زندانی بودن مرد و غیره (کاملی، ۱۳۸٦) اشاره کرد که در اکثر مطالعات دیگر نیز این موارد ذکر گردیده‌اند.

هدفمند کردن یارانه‌ها از یک طرف با اثرگذاری بر روی علل درخواست طلاق می‌تواند آن را افزایش دهد. افزایش فقر و بیکاری، بالا رفتن هزینه‌های زندگی و امتناع مرد از دادن نفقه در اثر هزینه بر بودن آن، ایجاد التهاب در خانواده‌ها و افزایش فشار روانی حاصل از آن و بی اعتنایی به همسر و عدم ابراز محبت به طور مستقیم بر این پدیده اثر گذار هستند.

از طرف دیگر به طور ضمنی می‌توان اذعان داشت پرداخت نقدی یارانه‌ها به افراد ممکن است باعث ادعای استقلال خواهی در زنان گردد. به عبارتی اکثر زنان روستایی و طبقهٔ پائین که تا دیروز از هر نظر وابسته و متکی به شوهرانشان بوده‌اند حالا با این پرداخت ناچیز یارانه‌ها احساس استقلال می‌کنند و به تدریج زمینه‌های درخواست طلاق شکل می‌گیرد. همچنین با پرداخت نقدی یارانه‌ها اکثر خانواده‌های روستایی و پائینی جامعه، در صدد برآورده کردن احتیاجات اولیه و گاهاً غیر معقول خود، مثلاً تعویض اسباب و اثاثیهٔ منزل و به روز کردن آن بر می‌آیند. در نتیجه در خانواده‌ها نوعی رقابت و چشم و هم چشمی به وجود می‌آید. این عامل نیز به دلیل به وجود آوردن اختلافات سلیقه‌ای و در بعضی موارد امتناع مرد از پرداخت هزینه‌های اضافی می‌تواند زمینه ساز طلاق باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

ب) روسپی‌گری

در رویکرد آسیب شناختی به پدیدهٔ روسپی‌گری هر سه بعد زیستی، روانی و اجتماعی را باید در نظر گرفت. اگر چه این عوامل در متون مربوط به روسپی‌گری جداگانه بحث می‌شود ولی این عوامل عموماً روابط تنگاتنگ و علت و معلولی با هم دارند. این عوامل زیستی، چه روانی و چه اجتماعی باشند در چارچوب نهاد خانواده قرار دارند و ناشی از نابسامانی آن می‌باشند. و عوارض و عواقب خود را نیز بر خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی می‌گذارند. چنان‌چه مورگان در این زمینه می‌گوید: « روسپی‌گری مانند سایهٔ سیاهی است که روی خانوادهٔ بشریت را تا تمدنش هم دنبال می‌کند.» (کامکار و همکاران، ۱۳۸۱).

از روسپی‌گری تعاریف متعددی ارائه شده است. یک روسپی کسی است که سکس یا احساسات جنسی را با پول، مواد مخدر و یا سایر چیزهای مورد علاقه معاوضه می‌کند(Dall, 2002). روسپی زنی است که از راه خودفروشی امرار معاش می‌کند و جز این پیشه‌ای ندارد و تحت نظارت نظامات خاصی به این پیشهٔ خود ادامه می‌دهد (فرمانفرمائیان، ۱۳٤۹). دکتر نصرالله‌پور افکاری در فرهنگ جامع روان‌شناسی و روان‌پزشکی این تعریف را از روسپی‌گری ارائه داده است: « این اصطلاح به معاملهٔ پایاپای بی بند و بارانهٔ جنسی توسط مرد یا زن برای کسب درآمد و تأمین معاش اطلاق می‌شود.» نقطهٔ اشتراک این تعریف و همهٔ تعاریفی که از روسپیگری ارائه شده است و علتی برای روسپی‌گری محسوب می‌شود تأمین معاش است. چنان چه اگر مبادلهٔ جنسی با قصد به دست آوردن درآمدی نباشد کم‌تر به آن لفظ روسپی‌گری اطلاق می‌شود.

فقر و نابرابری به عنوان یک مشکل نهادی در ارتباط با ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه زمینه ساز و مستعد کنندهٔ دیگر انحرافات اجتماعی از جمله روسپی‌گری هستند. فقر اقتصادی فرهنگی است که زنان جامعه را به سوی انحراف سوق می‌دهد. عدم تأمین معاش، سرپناه مناسب و دیگر عوامل همچون عدم احساس امنیت روانی و ذهنی و یا

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

خشونت زنان و دختران جامعه را به روسپی‌گری می‌کشاند. چرا که از این لحاظ نسبت به مردان آسیب پذیرتر بوده و شرایط فرهنگی اجتماعی جامعه نیز بر آنان سخت می‌گیرد. از سوی دیگر نیز نابرابری ادراک شده چه به صورت ذهنی و چه عینی برای جامعه‌ای که خانواده‌های آن مستعد نابهنجاری بوده و نظام آموزشی تربیتی رسمی و غیر رسمی آن با مشکلاتی مواجه هستند می‌تواند بر بار این مشکل بیفزاید. بدین گونه که دختران جوان که احساس نابرابری شدید می‌کنند وقتی که به مقایسهٔ خود با زنانی که از راه تن فروشی به رفاه مادی رسیده‌اند، می‌پردازند دچار احساس حقارت شده و برای پر کردن خلاء احساس شده، مبادرت به تن فروشی می‌نمایند. غافل از این که خود را به گردآبی که بیرون آمدن از آن مشکل است می‌اندازند. از سویی دیگر تشدید فقر و نابرابری در جامعه باعث فروپاشی ساختارهای کنترلی غیر رسمی در جامعه می‌گردد. وجود سرمایهٔ اجتماعی در هر جامعه‌ای می‌تواند با ایجاد روابط متقابل درون و بین گروهی مبتنی بر اعتماد می‌تواند به طور غیر رسمی نقش کنترلی داشته باشد و از بروز بسیاری از این چنین انحرافاتی جلوگیری نماید. ولی متأسفانه در سال‌های اخیر، ایران، دچار رکود و فرسایش سرمایهٔ اجتماعی به خصوص فرسایش سرمایهٔ اجتماعی قدیم و جایگزین نشدن آن توسط سرمایهٔ اجتماعی جدید شده است(موسوی و همکاران، ۱۳۸٦). حال با هدفمند شدن یارانه‌ها و کاهش اعتماد و مشارکت عمومی انتظار می‌رود این فرسایش همچنان ادامه یابد و ترمیم آن با مشکلاتی روبه رو گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

جوامعی که با رشد اقتصادی پایین و احتمالاً رکود، تورم یا رکود تورمی مواجه هستند دارای مشکلات اقتصادی اجتماعی فراوان می‌باشند. کشوری که دارای چنین وضعیتی باشد؛ یعنی توازن بین تولید و مصرف از بین رفته باشد، اغلب با بحران‌های شدید درگیر است. تغییر در نظام اقتصادی و خدماتی می‌تواند بر رفاه، سلامت و تعادل جوامع تأثیر به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

سزایی داشته باشد. همچنین این تغییرات بر فرد، گروه، جامعه و ملت تأثیر چشم‌گیری دارد.

از آن‌جایی که طرح هدفمند کردن یارانه‌ها از مهم‌ترین قسمت‌های طرح تحول اقتصادی ایران می‌باشد و از این طرح به عنوان جراحی بزرگ اقتصادی یاد می‌شود بدون شک تغییرات عظیمی بر ساختار اقتصادی و اجتماعی در سطح خرد و کلان خواهد داشت. بی گمان شناخت پیامدهای اقتصادی اجتماعی طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، از آن جایی که می‌تواند تأثیرات شگرفی بر آحاد مردم و همچنین تک تک خانوارهای ایرانی داشته باشد، ضروری به نظر می‌رسد و بهبهود روند اجرایی شدن آن را تسهیل می‌نماید. نگاه واقع گرایانه و ارزیابی تأثیرات اجتماعی و اقتصادی طرح هدفمند کردن یارانه‌ها مسئولان امر را در راستای رسیدن به اهداف چشم انداز بیست ساله یاری خواهد رساند. همان‌طور که ذکر آن رفت یکی از جنبه‌هایی که می‌تواند تحت تأثیر هدفمند کردن یارانه‌ها قرار گیرد بحث مشکلات و آسیب‌های اجتماعی در ایران است.

عوامل مؤثر درمشکلات اجتماعی را به طور کلی می‌توان به عوامل اجتماعی، اقتصادی، فیزیکی، جغرافیایی و سیاسی تقسیم نمود(شیخی، ۱۳۸۲). از میان عومل اقتصادی فقر و نابرابری به عنوان مهم‌ترین عامل به وجود آوردندهٔ مشکلات اجتماعی شناخته شده است. پدیدهٔ فقر که عمدتاً ناشی از عوامل اقتصادی است به اشکال مختلف مادی و غیر مادی پدیدار می‌گردد. وجود و بروز انحرافات به طور عینی در بین اقشار ضعیف‌تر بیش‌تر به چشم می‌خورد. تحقیقات نشان داده است با بالا رفتن قیمت مواد غذایی در بسیاری از جوامع جهان سوم نسبت و میزان جرایم و انحرافات اجتماعی افزایش می‌یابد و بالعکس با کاهش قیمت‌ها میزان جرایم کاهش یافته است(همان). فقر و توزیع ناعادلانهٔ ثروت زمینه ساز انواع رفتارهای نابهنجار است. ژان دولارد معتقد است که انسان‌ها به طور معمول به علت کشمکش ناشی از محرومیت، عکس العمل‌هایی نشان می‌دهند. اما نکتهٔ قابل تأمل آن است که محرومیت‌های اقتصادی عکس العمل‌های تند و ضد اجتماعی را تحریک می‌کنند،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

زیرا فقر ترس از مجازات را به حداقل می‌رساند و فرد محروم عمل ضد اجتماعی خود را متوجه بی سازمانی اجتماعی می‌کند.

از این میان عوامل اجتماعی خانواده به عنوان مهم‌ترین عامل در انحرافات اجتماعی و پیدایش جرایم شناخته شده است. بی سازمانی خانواده و تغییرات غیر منتظره در آن موجب بروز بسیاری از انحرافات فردی و کج‌روی‌ها در افراد می‌گردد. شرایط نامساعد خانوادگی که تحت تأثیر التهابات و فشارهای وارد شده به خانواده که می‌تواند در اثر شرایط نامساعد اقتصادی و افزایش به وجود آید موجب بسیاری از موارد روسپی‌گری، خیانت، فرار دختران و انواع مختلفی از بزهکاری شود.

در پایان می‌توان گفت هدفمند کردن یارانه با افزایش هزینه‌های خانوار، ایجاد تورم و به وجود آوردن فرهنگ وابستگی، به صورت مستقیم و غیر مستقیم سبب تغییر در بروز و ماهیت مشکلات اجتماعی گردد. و با تأثیرات که بر فقر به عنوان علت العلل مشکلات اجتماعی دارد و از آن‌جایی که این مشکلات اثر هم افزایی و تشدید کننده بر یکدیگر دارند می‌توان انتظار نیم‌رخ جدیدی از مشکلات اجتماعی در ایران داشته باشیم.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

منابع و مآخذ

References

- آبراکرامبی، نیکولاس. هیل، استفن، برایـان، اس.(۱۳۷۰)، **فرهنگ جامعه‌شناسی**، ترجمه: حسن پویان، انتشارات چاپخش، چاپ دوم؛
- آماتو، پل. ر.(۱۹۹۸)، **پیامدهای طلاق برای کودکـان و بزرگـسالان**، متـرجم: مهناز محمدی زادگان، روابط بـین الملـل انجمـن اولیـا و مربیـان، چـاپ اول، زمستان ۱۳۸۰؛
- استوارت، فرانسیس.(۱۳۷٦)، **تعدیل اقتصادی و فقر: گزینه‌هـا و انتخـاب‌هـا**، ترجمه علی دینی و سیامک استوار، سازمان مدیریت و برنامه ریزی؛
- راغفر، حسین.(۱۳۸۸)، **روزنامه اعتماد** به نقل از: http://www.noandish.com: (February 2010)
- رفیعی، حسن.(۱۳۸۰)، مـشکل اجتمـاعی: دسـتور کـار نظـام رفـاه اجتمـاعی، **فصلنامهٔ رفاه اجتماعی**، سال اول، شماره اول؛
- رئیس دانا، فریبرز.(۱۳۸۱)، عوامل ایجاد فساد اداری مـالی در ایـران، **مجموعـه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران**، جلد ششم، تهـران، انتشارات آگه؛
- شیخی، محمد تقی. (۱۳۸۲)، **جامعه‌شناسـی مـسائل اجتمـاعی و مـددکاری اجتماعی**، تهران، نشر حریر؛
- فرمانفرمائیان، ستاره.(۱۳٤۹)، **پیرامون روسپیگری در شـهر تهـران**، آموزشـگاه عالی خدمات اجتماعی، چاپ دوم؛
- قطبی، مرجان. هلاکوییی نائینی، کوروش. جزایری، ابوالقاسم.(۱۳۸۳)، وضـعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقـه دولـت آبـاد، **فصلنامهٔ رفاه اجتماعی**، سال سوم، شماره ۱۲؛
- کامکار، مهدیس. جباریان، بتول. فتـاحی، مجتبـی.(۱۳۸۱)، روسـپیگری و بـی مبالاتی جنـسی: تفـاوت و تـشابه، **مجموعـه مقـالات اولـین همـایش ملـی آسیب‌های اجتماعی در ایران**، جلد پنجم، تهران، انتشارات آگه؛
- کاملی، محمد جواد.(۱۳۸٦)، بررسـی توصـیفی علـل و عوامـل مـؤثر در بـروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران، **فـصلنامهٔ دانـش انتظـامی**، سـال نهـم، شماره سوم.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

منابع و مآخذ

References

- مدنی قهفرخی، سعید.(۱۳۷۹)، **آسیب‌ها، انحرافات اجتماعی و فقر در ایـران**، مجموعه مقالات فقر در ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی؛
- موسوی، میرطاهر. پیران، پرویز. شیانی، ملیحه. عبداللهی، محمد. مـدنی، سـعید. (۱۳۸٦)، **طرح ملی بررسی و سنجش سرمایهٔ اجتمـاعی در ایـران**، دانـشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی؛
- Dall, R. L, (2000), **Exposing the "Pretty Woman" Myth: A qualitative examination of the lives of female street walking prostitutes**, the journal of sex research, New York, Vol.37, pp.334-353.
- Young, Jack,(2001), **Identity, Community and Social Exclusion**: crime disorder and community, safety edited by Roger Mathews and John Pitts, Routledge

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]